

بازتاب احترام در آیین‌ها و جشن‌های ملی

الهه شایسته‌رخ^۱

چکیده

احترام یکی از آموزه‌های اخلاقی و اصول انسانی است که در حوزه ارتباطات اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، مصادیق این فضیلت اخلاقی در آیین‌های ملی که بخشی از فرهنگ مردم موسمی و فصلی است و سبب ایجاد ارتباطات اجتماعی می‌شود، بررسی شده است. با توجه به ضرورت وجود احترام به عنوان یک ارزش اخلاقی در بین اعضای خانواده و جامعه و نیز با التفات به آنکه رسانه ملی، به عنوان یکی از نهادهای ضروری جامعه در زمینه‌های اخلاقی، اعتقادی و ... تأثیرات عمیقی بر مخاطبان دارد، ارائه جلوه‌های آیینی احترام در مناسبات ملی با بهره‌مندی از جذابیت‌های صوتی (موسیقیایی) و تصویری در قالب تولید مستندهای تلویزیونی، برنامه‌های ترکیبی، تیزرهای چند ثانیه‌ای و کپشن، میان‌برنامه‌های گرافیکی، پویانمایی و نماهنگ‌های مرتبط با فرهنگ مردم و همچنین رعایت احترام در گفتگوها و متون رسانه‌ای اهمیت به‌سزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: احترام در آیین‌های ملی، احترام در نوروز، احترام در چهارشنبه‌سوری، احترام در یلدا، احترام در علفه (الفه)

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما
info@shayesteh.ir

مقدمه

یکی از اجزای مهم فرهنگ مردم هر ملت، فرهنگ مردم موسمی و فصلی است. منظور از فرهنگ مردم موسمی یا فصلی، گروهی از آیین‌ها و باورهای است که در موسم مشخص و در روزهای معینی از فصول سال برگزار می‌شود.

هویت ملی و دینی مردم ایران سبب شده است که فرهنگ مردم موسمی به دو بخش تقسیم شود: آیین‌هایی که بر پایه تقویم خورشیدی برگزار می‌شوند و آیین‌هایی که براساس تقویم قمری به اجرا درمی‌آیند. گروه نخست، آیین‌هایی هستند که تاریخ پیدایش آنها به پیش از اسلام باز می‌گردد و پس از ظهور و پذیرش اسلام تأثیر و تأثرات فراوانی از یکدیگر پذیرفته‌اند. نوروز، چهارشنبه‌سوری، یلدا و علفه (الفه یا عرفه) بازمانده آیین‌های ملی ایرانی هستند که براساس تقویم خورشیدی برگزار می‌شوند.

این جشن‌ها در آغاز برای یادآوری فصل‌ها و تنظیم برنامه‌های کشاورزی برپا می‌شدند اما با گذشت زمان، مناسبت‌ها و داستان‌های دیگری به آنها افزوده شده است. گروه و ملتی که جشنی را برگزار می‌کنند که از نیاکان به ارث رسیده و از دوران کودکی برگزاری آن را شاهد بوده‌اند، خواه ناخواه دلبستگی و باوری از سر راستی و بی‌آلایشی به آن پیدا می‌کنند؛ باوری که با آن بیگانه نیستند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۸: ۱۹)

۱. جلوه‌های آیینی احترام در عید نوروز

نوروز از دیرپاترین آیین‌های شادی‌آفرین و مهرافزای ایرانیان و جشن نوزایی و تجدید حیات طبیعت است. از مهم‌ترین پیام‌ها و ارزش‌های نوروز، احترام به بزرگان خانواده، بویژه پدر و مادر است. در این مجال، جلوه‌هایی از این آموزه اخلاقی در آیین خانوادگی نوروز مطرح می‌شود.



۱-۱. دید و بازدید

دید و بازدید از سنت‌های پسندیده عید نوروز و نمایش نمادین مهرورزی، همدلی، همبستگی و وفاق بین خویشاوندان است که در پرتو احترام متقابل ممکن می‌شود. دیدار بزرگان خانواده، نقطه آغازین تحولات سال جدید و نشان‌دهنده احترام ویژه ایشان در میان خانواده و فامیل است.

در فخریه نیشابور، دیدار عید از خانه بزرگ‌ترهای روستا آغاز می‌شد و به کوچک‌ترها خاتمه می‌یافت. (خالصیان، نیشابور، ۱۳۵۳)

مردم میرآباد فریدن اصفهان، در نخستین روز سال نو به دیدار بزرگان فامیل خود می‌رفتند و به نشان احترام دست ایشان را می‌بوسیدند و عید را تبریک می‌گفتند. (عظیمی، فریدن، ۱۳۵۵)

در کهریزسنگ اصفهان نیز دیدار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در اولویت قرار داشت؛ به این ترتیب که بچه‌ها با در دست داشتن شاخه‌های نبات به منازل ایشان می‌رفتند و پس از دیدار بزرگان خانواده، مردم روستا با شاخه‌های

۱۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نبات، از روحانیون روستا و اقوام دیگر دیدن می‌کردند تا در آغاز سال جدید، کام ایشان را شیرین کرده باشند. (شمسی، نجف‌آباد، ۱۳۵۰)

در قم نیز ریش‌سفیدان و بزرگان هر فامیل در خانه خود می‌نشستند و کوچک‌ترها که احترام به بزرگان از وظایفشان به شمار می‌رفت، به دیدار آنان می‌رفتند، سپس همه بزرگان و ریش‌سفیدان جمع می‌شدند و با هم از بزرگ‌ترین ریش‌سفید فامیل دیدن می‌کردند. (اسماعیلیان، قم، بی‌تا)

مردم شهرکرد، آغاز سال نو را با دیدار بزرگ‌خاندان متبرک می‌کردند. این سنت به قدری اهمیت داشت که بزرگ‌فامیل پس از تحویل سال در خانه می‌نشست و منتظر ورود مهمانانش می‌ماند. مهمانان پس از ورود، دست او را به نشانه احترام می‌بوسیدند و تبریک سال نو را با دعا و آرزوی عمر پرکت برایش همراه می‌کردند؛ «صد سال به این سال‌ها» از جمله این دعاها بود. (آقابابایی، شهرکرد، ۱۳۵۱)

برخی از دیدارهای سال نو، شب هنگام صورت می‌گرفت، به این ترتیب که پس از شام، همه اعضای خانواده پشت سر بزرگ‌تر خود حرکت می‌کردند و به محض رسیدن به منزل بزرگ‌فامیل، بزرگ‌تر خانواده به احترام افراد حاضر در منزل یا الله یا الله می‌گفت تا بدون اطلاع و ناگهانی وارد نشود. بزرگ‌خانه نیز به احترام مهمانانش به پیشواز آنها می‌آمد و با جملاتی محبت‌آمیز اجازه ورود می‌داد. (یوسفی رامندی، دانشفهان، ۱۳۸۶ / هاشمی، فسا، ۱۳۸۸ / اسدی گندمانی، بروجن، ۱۳۸۵)

پس از بزرگ‌خانواده، روحانیون و سادات احترام ویژه‌ای داشتند و در اولویت دید و بازدیدهای نوروزی قرار می‌گرفتند. (رزازان، شاهرود، ۱۳۴۹ / مرادی، بروجن، ۱۳۴۸)

دیدار با خانواده‌هایی که در اندوه مرگ یکی از عزیزان خود به سر می‌بردند نیز در اولویت قرار داشت. در بسیاری از مناطق ایران، همه دوستان و آشنایان پس از تحویل سال و دیدار بزرگ‌فامیل به منزل خانواده سوگوار

بازتاب احترام در آیین‌ها و جشن‌های ملی ❖ ۱۷۳

می‌رفتند و علاوه بر تبریک سال نو، فاتحه‌ای برای متوفی می‌خواندند. نوجوانان و جوانان همدان نیز در اجرای این آیین سهم به‌سزایی داشتند. ایشان نیز به احترام دوست یا همسالان خود که در فقدان یکی از اعضای خانواده خود سوگوار بودند، نخست به دیدار ایشان می‌رفتند و آنها را از عزادری آوردند و سپس به پشت بام خانه می‌رفتند و با روشن کردن آتش به دیگر اهالی محل اطلاع می‌دادند که خانواده عزادار به آنها اجازه شادمانی و آتش بازی داده است. پس از آن، نوجوانان و جوانان که به احترام ایشان جشن و سرور خود را آغاز نکرده بودند، به بالای بام منازل خود می‌رفتند و برای بازی آتش روشن می‌کردند. (همافر، همدان، ۱۳۵۲)

احترام متقابل بین بزرگان خانواده و کوچک‌ترها سبب می‌شد که در روزهای پس از تحویل سال، منزل کوچک‌ترهای فامیل با قدم بزرگ‌ترها رونق گیرد و شادمانی این دیدار به سبب احترام متقابل بود. مردم روستای زر محلات دید و بازدید خود را با زیارت اهل قبور آغاز می‌کردند و با دیدار از بزرگ‌ترهای فامیل ادامه می‌دادند. سرانجام این دید و بازدیدها، حضور در منزل کوچک‌ترهای فامیل بود. برای جوانانی که در سن ازدواج بودند، تبریک سال نو با دعای بزرگ‌ترها برای ازدواج آنان همراه بود. (زرنوش، محلات، ۱۳۵۰)

۲-۱. اعتماد و احترام به رأی و تجربه بزرگان

احترام و اعتماد با یکدیگر ارتباط متقابل دارند، به این ترتیب، ریش‌سفیدی که نزد اطرافیان احترام ویژه‌ای داشت، معتمد آنان نیز بود. مصادیق این اعتماد و احترام متقابل را در آیین‌های نوروزی می‌توان مشاهده کرد.

در روستای سرشک نایین مرسوم بود که آغاز سال نو را پیرمردی از بزرگان روستا که مردم به وی و دانش تجربی او اعتماد داشتند و احترام ویژه‌ای برایش قایل بودند، با شلیک پیاپی سه تیر، به اطلاع خانواده‌های روستا برساند، پس از اطلاع عموم از تحویل سال، در هر خانه‌ای کوچک‌ترها دست

۱۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بزرگ‌تر خود را می‌بوسیدند و بزرگ‌تر خانواده هم روی کوچک‌ترها را می‌بوسید و تبریک می‌گفت. (حیدریان، نایین، ۱۳۵۱)

در نوغاب نیز تحویل سال نو با دعا و تلاوت آیاتی از قرآن (حمد، توحید، یاسین، وان‌یکاد) همراه بود و پس از آغاز سال نو، پدر و مادر صورت فرزندان خود را می‌بوسیدند و فرزندان نیز به نشانه احترام بر دستان ایشان بوسه می‌زدند و سال نو را تبریک می‌گفتند. (سیدی‌نو، بیرجند، ۱۳۵۰)

در میان مردمان ایذه خوزستان، بزرگ خانواده خود را موظف می‌دانست که پس از تحویل سال، یک جلد کلام الله در دست بگیرد و در آستانه در خانه بایستد تا تمام اعضای خانواده با آرزوی آنکه تمام سفرهایشان در سال جدید با سلامتی و تندرستی همراه باشد، بسم‌الله‌گویان از زیر آن عبور کنند. (کیانی، ایذه، ۱۳۵۵)

همچنین احترامی که بزرگان خانواده نزد آشنایان خود داشتند، اعتمادی را سبب می‌شد که به واسطه آن، کلامشان کلام آخر بود و کسی از خواست ایشان سرپیچی نمی‌کرد. همین مسئله بسیاری از اختلافات و نزاع‌های خانوادگی را خاتمه می‌داد. به این ترتیب، بزرگان خانواده در آغاز سال نو فرصت را مغتنم می‌شمردند و به منازل افرادی می‌رفتند که در سال گذشته اختلاف و کدورتی بینشان ایجاد شده بود و تا ایشان با یکدیگر آشتی نمی‌کردند و روابطشان مسالمت‌آمیز نمی‌شد، از آنجا بیرون نمی‌آمدند. طرفین دعوا نیز به حرمت حضور بزرگان، کشمکش خود را ادامه نمی‌دادند و آشتی می‌کردند. (نیکدوست، تنکابن، ۱۳۵۰ / آذرگون، گچساران، ۱۳۵۵)

۱-۳. عیدی، هدیه نوروزی

هدیه دادن پدربزرگ و مادربزرگ به عنوان بزرگان فامیل و پدر و مادر به عنوان بزرگان خانواده به فرزندان و نوادگان علاوه بر آنکه جلوه نمادین ابراز محبت است، نشان از ادای احترام به حضور اعضای خانواده، بویژه کوچک‌ترها و درک اهمیت وجودی ایشان دارد.

به این ترتیب، پدر و مادر با آرزوی آنکه فرزندانشان هیچ‌گاه حرمت خود را ضایع نکنند و مجبور نشوند دستشان را به نشانه نیازمندی در برابر شخص دیگری دراز کنند، در شب عید به همه آنان «عیدونه» یا «عیدی» می‌دادند. (علیپور، اندیمشک، ۱۳۵۰)

در فرهنگ مردم ایران، بزرگ‌تر خانواده یا کدبانوی منزل و افرادی مانند سادات و مؤمنین که نماد خوبی و برکت‌اند، احترام ویژه‌ای دارند. چنان‌که رغبت عموم بر این است که عیدی را از دستان ایشان بگیرند.

در مشهد مرسوم بود که بزرگ‌تر یا کدبانوی خانه پیش از تحویل سال، مقداری پول در قرآن می‌گذاشت و هنگام حضور مهمانان، قرآن را در مقابل بچه‌ها می‌گرفت تا هر کدام عیدی خود را بردارند. (قهرمان، مشهد، ۱۳۵۰)

معمولاً در اکثر مناطق ایران بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها عیدی می‌دادند، اما گاه بزرگسالان نیز برای دریافت ته کیسه که مایه برکت روزی‌شان بود، نزد سادات و مؤمنین می‌رفتند. این پول را که در اصطلاح «دشت» می‌گفتند، تا نوروز سال بعد نگه می‌داشتند و در روز عید به بچه‌ها، به عنوان عیدی هدیه می‌دادند. (رستمی، سامن، بی‌تا)

نوعروسان و تازه دامادها نیز از عیدی بی‌نصیب نبودند. در قم، دامادی که اولین نوروز پس از مراسم عروسی خود را تجربه می‌کرد، در نخستین روز عید به همراه عروس برای تبریک سال نو و دست‌بوسی به دیدار مادر و پدر همسرش می‌رفت و پدر زن نیز داماد و دختر خود را از عیدی بی‌نصیب نمی‌گذاشت. (اسماعیلیان، قم، بی‌تا)

در مجموع، هدیه را می‌توان نماد مهرورزی دانست اما برای درک بهتر ارتباط آن با احترام کافی است به این نکته توجه داشته باشیم همان‌طور که هدیه دادن نشانه محبت است و در فرهنگ مردم ایران هدیه دادن به نوعروسان از عناصر و اجزای بسیاری از آیین‌های محلی (نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، اسفندگان) و نیز جشن‌ها و اعیاد مذهبی است، ندادن آن نیز نوعی بی‌احترامی

و بی توجهی به عروس و نادیده گرفتن ارزش وجودی او تلقی می‌شود. نوع و میزان هدیه را نیز وضعیت اقتصادی داماد و خانواده‌اش تعیین می‌کند و خانواده عروس با درک جایگاه و وضعیت اقتصادی داماد این هدیه را قبول می‌کند.

در ممسنی، داماد به همراه خانواده‌اش برای ابراز احترام و محبت، در نخستین روز سال نو به دیدار نامزد خود و پدر و مادرش می‌رفت و با بردن هدایایی همچون مواد غذایی (برنج، روغن و...)، کفش و قطعه‌ای طلا برای عروس سال نو را به او تبریک می‌گفت. (صادق‌پور، ممسنی، ۱۳۵۳)



در قزوین، خانواده داماد هدایای نوروزی عروس خود را در چندین مجمعه قرار می‌دادند و دختران جوان فامیل مجمعه‌ها را بر سر می‌گذاشتند و به خانه عروس می‌بردند، اما یکی از نکات مهم در اجرای این آیین، حضور یکی از مردان کهنسال و ریش سفید خانواده در کنار داماد بود. همراهی وی علاوه بر آنکه شأن و احترام داماد را نزد خانواده عروس دو چندان می‌کرد، احترام به خانواده عروس نیز تلقی می‌شد. (ناصری، قزوین، ۱۳۴۸)

۲. جلوه‌های آیینی احترام در شب یلدا

پایان فصل خزان و آغاز سپیدی زمستان را ایرانیان از دیرباز با جشنی به شکوه مهربانی و عظمت مهرورزی، در شبی که به بلندای آن شبی نیست، گرامی می‌دارند. ایرانیان نخستین شب زمستان (یلدا) را به امید دیدار خورشید درخشان با شادمانی به صبح می‌رسانند تا استقبالی با مهر و عطوفت از مهر فروزان هستی داشته باشند.

شب‌نشینی و شب‌زنده‌داری در بزرگ‌ترین و درازترین شب سال، در بین ایرانیان رسمی دیرینه است. هر چند شب‌نشینی بویژه در گذشته، مختص به شب یلدا نبود و شب‌های زمستان - فصل اتمام کار کشاورزان - فرصت خوبی برای دیدار دوستان و آشنایان به شمار می‌رفت، نقطه آغازین و شروع آن که به طور ویژه‌ای برگزار می‌شد، شب یلدا بود.



دیدار آشنایان در شب‌نشینی آیین ایرانی یلدا، گواه پیوند آیینی این شب با عید نوروز است. اگر در آیین نوروز، این دیدارها که از احترامی محبت‌آمیز سرچشمه می‌گیرد، از منزل بزرگان خانواده و فامیل آغاز می‌شود، در آیین یک

شبه یلدا نیز بنا بر قانونی عرفی، باید شب را همراه با بزرگان خانواده، پدربزرگ، مادربزرگ و پدر و مادر به صبح رساند.

تأکید بر حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر که نشان از احترام متقابل دارد و پرهیز از مراسم جشن و سرور مختص شب یلدا در خانواده‌های عزادار به احترام درگذشتگان و اکرام مستمندان، همه از عناصری هستند که اگر نیک بنگریم، بن‌مایه‌های احترام و اکرام در کانون خانواده را در آنها به روشنی مشاهده می‌کنیم.

۲-۱. دیدار بزرگان و احترام متقابل بین اعضای خانواده

یلدا، جشنی خانوادگی است که گویی به منظور بزرگداشت سالمندان خانواده و انتقال تجربیات و دانش آنان برگزار می‌شود. آیین شبانه یلدا، بهانه مناسبی برای تبادل محبت و احترام بین همه اعضای خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. در آموزه‌های دینی نیز یکی از مصادیق احترام به بزرگسالان، صله ارحام و دیدار ایشان است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «بزرگسالان خود را احترام کنید و صله ارحام به جای آورید.» (میزان‌الحکمه، حدیث ۹۹۲۵)

از آنجا که دیدار بزرگان خانواده و فامیل، محور برگزاری آیین شادی‌بخش یلداست، مادران و پدران، مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها در چنین شبی در خانه می‌مانند و اسباب پذیرایی از فرزندان و مهمانانی را که حرمت بزرگ‌ترها را بر خود واجب دانسته‌اند، فراهم می‌آورند.

برای نمونه، در روستای دستجرده گلپایگان، شب چله همه اعضای خانواده اعم از فرزندان و نوادگان به منزل پدربزرگ و مادربزرگ می‌رفتند و در صورتی که ایشان در قید حیات نبودند، دیدار بزرگ فامیل یا طایفه را بر خود واجب می‌دانستند. (احمدی، گلپایگان، ۱۳۸۰)

در چشمه شیرین پلدختر، دید و بازدید مردم در شب یلدا- همچون عید نوروز- از خانه کدخدا یا بزرگ‌ترها شروع می‌شد. (کریمی، لرستان، بی‌تا)



یکی دیگر از آداب خانواده‌های ایرانی که البته مختص به شب یلدا نیست و نشان از احترام به بزرگ خانواده دارد، رعایت حق تقدّم در برابر ایشان است.

برای مثال، در دیزباد نیشابور، شب چره شب یلدا را در مجمعه (سینی بزرگ) می‌گذاشتند و با سلام و صلوات در میان جمع می‌گرداندند، اما تا بزرگ خانواده شروع به خوردن نمی‌کرد، بقیه اعضای خانواده نیز به احترام او چیزی نمی‌خوردند. (میرشاهی، نیشابور، ۱۳۵۴)

توجه به این نکته ضروری است که حضور بزرگان، به جمع خانواده و فامیل شأن و منزلت ویژه‌ای می‌دهد. در واقع، خانواده‌ای که حرمت بزرگان خود را نگه دارد، بر احترام خود افزوده است. از این رو، خانواده‌ها در اجرای آیین‌هایی همچون یلدا بزرگان را نیز با خود همراه می‌کنند تا علاوه بر ادای احترام به ایشان، موجبات احترام خود و خانواده خود را فراهم کرده باشند. به این ترتیب، در بسیاری از مناطق ایران، خانواده داماد با حضور بزرگان فامیل، برای عروس خود شب چله‌ای می‌بردند و خانواده عروس نیز به احترام خانواده داماد و به منظور افزایش حرمت خود و جمع خانوادگی‌شان از بزرگان فامیل دعوت می‌کردند که شب یلدا را در منزل ایشان بگذرانند. البته این برنامه مربوط به بخشی از شب یلدا بود؛ چرا که بزرگ‌ترها تلاش می‌کردند بلافاصله به خانه بازگردند و از مهمانان‌شان پذیرایی کنند.

در فرهنگ مردم ایران علاوه بر اهمیت و ضرورت حفظ احترام بزرگان خانواده و دیدار ایشان در آیین یلدا، بر احترام متقابل اعضای خانواده نیز تأکید شده است. چنان که در گذشته حتی کسانی هم که به مسافرت رفته بودند، برای شب یلدا به خانه و کاشانه خود بازمی‌گشتند تا مبادا، پایان سال را در سفر و دور از خانه و خانواده باشند؛ اگر هم یکی از اعضای خانواده دیر به خانه می‌آمد، بقیه به احترام او منتظر می‌ماندند تا بیاید و با هم مشغول خوردن شب چره و ... شوند.

۲-۲. برقراری ارتباطات مسالمت‌آمیز به احترام بزرگان خانواده

رفع کدورت‌هایی که گاه پیوندهای خانوادگی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و سبب گسسته شدن روابط محترمانه و محبت‌آمیز خویشاوندی می‌شود، نزد خدای تعالی جایگاه والایی دارد.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرموده‌اند:

با خویشاوندی که از تو بریده پیوند برقرار کن و به آن کس که به تو بدی کرده است، خوبی کن و حق را هر چند به زیان خود، بگو. (میزان الحکمه، حدیث ۷۰۶۱)

فرصت باهم بودن اعضای خانواده، بویژه حضور بزرگان و ریش‌سفیدان فرصتی مغتنم برای رفع کدورت‌ها و برقراری ارتباطات دوستانه و سرشار از عاطفه و محبت با دوستان و آشنایان است. آنچه در عرف روابط خانوادگی به عنوان قانونی نانوشته پذیرفته شده، این است که کلام و تصمیم بزرگان خانواده، فصل‌الخطاب است و کوچک‌ترها براساس این قانون عرفی که با محبت آمیخته است و نیز به احترام سن و شأن و تجربه بزرگ‌ترها، کلامی خلاف سخن ایشان به زبان نمی‌آورند. بزرگ‌ترها نیز با استفاده از این امتیاز ویژه، نقش مؤثری در استحکام ارتباطات خانوادگی ایفا می‌کنند که مصادیق آن را در فرهنگ مردم ایران می‌توان مشاهده کرد.

در زاهدشهر فسا افرادی را که کدورتی بینشان وجود داشت را در شب یلدا به منزل ریش‌سفید یا بزرگ خانواده دعوت می‌کردند تا صلح و آشتی در میان‌شان برقرار شود (هاشمی‌زاده، فسا، ۱۳۸۱). در اقلید فارس نیز افرادی که روابطشان تیره شده بود [به احترام پیش قدم شدن بزرگان] در این شب با هم آشتی می‌کردند و کینه‌ها را دور می‌ریختند. در این حالت، شادی و نشاط خانواده‌ها دو چندان می‌شد. (ثابت‌اقلیدی، اقلید، ۱۳۷۳)

در دامغان، همسایه‌ها در منزل یکی از بزرگان محل، شب یلدا را جشن می‌گرفتند، گاه نیز به منزل پدربزرگ و مادربزرگ خود می‌رفتند و تا پاسی از

بازتاب احترام در آیین‌ها و جشن‌های ملی ❖ ۱۸۱

شب به قصه‌ها و داستان‌های آنها گوش می‌کردند (مروراری، دامغان، ۱۳۵۲). در لقمجان لاهیجان نیز بزرگ‌تر مجلس که تجربه بیشتری داشت، برای بقیه قصه نقل می‌کرد. (حسنی لقمجان، لاهیجان، ۱۳۵۶)

در میان مردم اقلید فارس نیز مرسوم بود که برای شب چله، به طور معمول، یک نفر تمام اقوام و خویشاوندان را برای شام به خانه خود دعوت می‌کرد و انواع آجیل و میوه‌هایی مانند انار، هندوانه و خربزه را که از قبل آماده کرده بود، داخل سینی‌های بزرگی که به آن دیوان گفته می‌شد، می‌گذاشت و پذیرایی می‌کرد. در حین خوردن نیز بزرگ‌تر مجلس قصه‌های شیرین و دلنشین تعریف می‌کرد. (ثابت اقلیدی، اقلید، ۱۳۸۳)

۲-۳. اکرام احترام‌آمیز مستمندان

تقسیم شب چره و غذا در شب یلدا، از عاطفه، محبت و احترام مردم به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد و مفاهیم ارزشمندی را نمایان می‌کند. روح تعاون، همیاری و دوستی، مردم را همچون زنجیره‌ای به هم متصل می‌کند و در سایه‌سار وحدت به آرامش و امنیت خاطر می‌رساند. نکته بسیار مهم در اکرام مستمندان آن است که این مساعدت و بخشش، با احترام به شأن و آبروی آنان همراه بود.

در بسیاری از مناطق ایران در صورتی که کسی توانایی مالی تهیه شب‌چره بویژه هندوانه را نداشت، آشنایان و همسایگان، او را فراموش نمی‌کردند. از جمله در لرستان، اگر همسایه‌ای وسعش نمی‌رسید که شب چره شب اول چله را فراهم کند، کسانی که می‌توانستند و وسعشان می‌رسید، به نوعی که او خجل نشود و احترام و آبرویش نزد دیگر همسایگان محفوظ بماند به او کمک می‌کردند؛ برای مثال، از طریق بچه‌های خود از پسر و دختر او می‌پرسیدند که در خانه چه دارند و به این ترتیب، کم و کسری شب چره آنها را برایشان می‌فرستادند. این کار را بانوی خانه انجام می‌داد؛ وی همه آنچه را که آماده

کرده بود، زیر چادر خود می‌گرفت تا همسایه‌های دیگر متوجه کارش نشوند. (نصیری، خرم آباد، ۱۳۴۸)

۳. جلوه‌های آیینی احترام در چهارشنبه‌سوری

چهارشنبه‌سوری آیینی خانوادگی است که به منظور استقبال از نوروز برگزار می‌شود و نزدیک شدن به آغاز فصل رویش و حیات مجدد طبیعت را نوید می‌دهد. آتش‌افروزی که از عناصر اصلی این آیین است، به منظور تندرستی و بلاگردانی از اعضای خانواده اجرا می‌شود. از این رو، این آیین را هم باید نمادی از احترام به نهاد خانواده دانست.

در آیین چهارشنبه‌سوری نیز همچون دیگر آیین‌ها، علاوه بر احترام به بزرگان، احترام به متوفی و خانواده‌های عزادار هم مشاهده می‌شود. در این مجال به اختصار، به مصادیقی از این امر می‌پردازیم.

در این شب، کوچک‌ترها به دیدار بزرگ‌ترها می‌رفتند و بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها هدیه می‌دادند (دوستی، ۱۳۸۷: ۷۸). یکی از کارکردهای مهم این آیین شادی‌آفرین، ایجاد فضای صلح و دوستی بین افرادی بود که به واسطه کینه و کدورتی که از یکدیگر به دل داشتند، به خانه‌های یکدیگر رفت و آمد نمی‌کردند؛ حرمت ریش‌سفیدان و بزرگان خانواده در برقراری مجدد روابط صمیمانه و مبتنی بر احترام بین دو طرف دعوا بسیار مؤثر است. (پوراسماعیلی، لاهیجان، ۱۳۵۳)

از عناصر دیگر این آیین، دیدار خانواده‌هایی بود که سوگوار یکی از عزیزان خود بودند. دیدار از خانواده‌های عزادار در برخی از شهرها و روستاهای کشور در جشن چهارشنبه‌سوری با آداب خاصی همراه بود؛ از جمله: در اسمرود خلخال و افشار تکاب، پیرمردان و معتمدان روستا جمع می‌شدند و به پشت بام خانه‌هایی می‌رفتند که در طول سال مصیبت دیده بودند. یکی از آنها ابتدا فاتحه‌ای به روح تازه در گذشته هدیه می‌کرد و همگی صلوات می‌فرستادند و از صاحبخانه یا اقوام متوفی اجازه می‌گرفتند که به بوته

بازتاب احترام در آیین‌ها و جشن‌های ملی ❖ ۱۸۳

و گوَن آنها آتش بزنند. به این ترتیب، در تمام خانواده‌های مصیبت دیده آتش روشن می‌کردند و سپس به خانه‌های خود بر می‌گشتند.

در حسن‌آباد گروس هم شب چهارشنبه‌سوری، بزرگان هر خانه هنگام غروب دور هم جمع می‌شدند و به دیدار خانواده‌هایی می‌رفتند که در آن سال کسی را از دست داده بودند. آن گاه بر بام خانه‌هایشان آتش می‌افروختند و صلوات می‌فرستادند. (دوستی، پیشین: ۵۷ و ۵۶)

در هشتروند، به طور معمول در چهارشنبه‌سوری، خانواده‌ای که در فقدان عزیزی سوگوار است [به احترام او] آتش روشن نمی‌کند و این امر باعث دلگیری کودکان می‌شود؛ به همین دلیل، همسایگان به بام خانواده سوگوار آتش می‌برند و کودکانشان را به شادمانی فرا می‌خوانند. (بختیاری، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

در جلغا نیز عصر چهارشنبه‌سوری به دیدار خانواده‌های عزادار می‌رفتند و صاحب‌عزا از مهمانان با چای و خرما پذیرایی می‌کرد. مهمانان هم در خاتمه، فاتحه‌ای برای شادی روح تازه درگذشته می‌خواندند و با دادن سر سلامتی آنجا را ترک می‌کردند. در این روز تعدادی از همسایگان و اقوام نزدیک به خانه عزاداران می‌رفتند و بر بام خانه‌هایشان آتش می‌افروختند و از خانواده سوگوار تقاضا می‌کردند که به پشت‌بام بروند و از عزا بیرون بیایند. (دوستی، پیشین: ۷۷)

۴. آیین احترام به درگذشتگان

آیین احترام به درگذشتگان یکی از آیین‌هایی است که به منظور نکوداشت و پاسداشت یاد و خاطره درگذشتگان برگزار می‌شود. این آیین، استقبالی از سال نو و جشن زندگان است؛ چرا که یک روز پیش از نوروز و در برخی مناطق، در آخرین جمعه اسفندماه برگزار می‌شود.

آیین احترام به درگذشتگان در استقبال از سال نو، بر همراهی و همگامی شادی و غم در فرهنگ مردم ایران تأکید دارد؛ در این فرهنگ، همه اعضای

خانواده اعم از آنان که روزگار را پشت سر می‌گذرانند و آنان که روزگارشان به سر رسیده و در عالمی دیگر به سر می‌برند، اهمّیت ویژه‌ای دارند. یک روز پیش از فرارسیدن نوروز، بازماندگان، اندوه فراق و انبوه خاطرات دیرین خود را به کنار مزار که نماد مادی روزگار پیشین است، می‌برند و با ادای احترام به ارواح درگذشتگان به استقبال سال نو می‌روند.

اقامه نماز، قرائت قرآن و دعا برای آمرزش درگذشتگان، نثار گل و آب و تقدیم خوراک به عنوان خیرات از عناصر این آیین کهن است.

ایرانیان پیش از اسلام معتقد بودند که فروهرهای نیاکان، ده روز به آغاز سال نو مانده برای سرکشی به بازماندگان از آسمان فرود می‌آیند و تا آغاز سال جدید (ده شبانه‌روز) در خانمان پیشین خود به سر می‌برند. در این مدت، زندگان برای خشنودی فروهرهای نیاکان خود غذاهای بودار می‌پختند و سخنان ناشایست به زبان نمی‌آوردند و کاری نمی‌کردند که فروهرها از آنها ناراضی شوند. بعد از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، این عقاید و مراسم تغییر کرد و به دو روز محدود شد. یکی، آخرین شب جمعه پایانی سال و دیگری، غروب آخرین روز سال یا به عبارت دیگر، شب سال نو. (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳۵ و ۲۳۶)

نکته حایز اهمّیت آن است که پس از اسلام، احترام به درگذشتگان فقط به آیین علفه یا آخرین جمعه سال اختصاص ندارد بلکه بخشی از آیین‌های دیگر را نیز ادای احترام به درگذشتگان و بازماندگان ایشان تشکیل می‌دهد.

این دو روز در مناطق مختلف ایران نام‌های متفاوتی دارند. غروب آخرین روز سال را به طور معمول، علفه «الفه» یا عرفه می‌نامند (مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۲۴۷؛ کرزبر یاراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۶۲) و آخرین جمعه سال به جمعه نزدیکان، شب خیرات و جمعه برات موسوم است.



مردم ایرج اسفراین آیین علفه را در آخرین جمعه سال اجرا می‌کردند. در این شب مقید بودند که قرآن بخوانند و ثواب آن را به امواتشان هدیه کنند. (سنگ‌سفیدی، اسفراین، ۱۳۴۶)

مردم ملایر نیز پیش از غروب آفتاب روز عرفه، بر سر مزار اموات خود حاضر می‌شدند و با قرائت فاتحه و زیارتنامه و اقامه نماز به درگذشتگان خود ادای احترام می‌کردند. (رستمی، ملایر، ۱۳۵۰)

مردم شیرخان طبس نیز نزدیک‌ترین جمعه به عید نوروز را «جمعه نزدیکان» می‌نامیدند تا فرصتی برای قرائت فاتحه بر سر مزار نزدیکان و خویشانی باشد که دار دنیا را وداع گفته‌اند، ولی همچنان نزد بازماندگان محترمند. (مرادی، طبس، ۱۳۵۰)

مردم هیدج زنجان، عصر روز آخر سال با اجتماع در مساجد به صورت دسته‌جمعی به قبرستان می‌رفتند تا فاتحه‌ای بخوانند و به ارواح مردگانشان ادای احترام کنند. بزرگان جمع نیز فرصت با هم بودن در این مراسم را که با فاتحه‌خوانی افراد و تلاوت آیاتی از قرآن از سوی روحانی مسجد آغاز می‌شد، مغتنم می‌شمردند و برای سال آینده قول و قرارهای جدید پیشنهاد می‌دادند. جمع حاضر که احترام بزرگان خانواده و محل را بر خود واجب می‌دانستند و خلاف رأی و نظر آنان، رفتار نمی‌کردند، موافقت خود را ابراز می‌داشتند و به این ترتیب مقرر می‌شد که هیچ‌یک از اهالی حق ندارد خلاف قول و قرارهای جدید عمل کند. برای مثال، وقتی با پیشنهاد بزرگان قرار می‌شد که در سال جدید (آتی) تشریفات جشن عقد و عروسی را کنار بگذارند و این آیین شادی‌بخش به سادگی برگزار شود، هیچ خانواده‌ای به خود اجازه تمرد و بی‌اعتنایی نمی‌داد و همه با احترام به نظر صائب بزرگان خود، جشن را به سادگی برگزار می‌کردند. در پایان مراسم نیز خانواده و خویشان کسانی که یکی از اعضای خود را در همان سال از دست داده بودند، در مقابل جمعیت و در یک صف می‌ایستادند و بقیه مردم به آنها سرسلامتی می‌گفتند. پس از

توزیع نان و پنیر و خرما و ... به عنوان خیرات، هر کسی بر سر مزار درگذشتگان خود می‌رفت و با قرائت فاتحه و آیاتی از کلام‌الله مجید، به اموات خود ادای احترام می‌کرد. (بهرامی هیدجی، ابهر، ۱۳۵۴)

اما زنان اسفرجان اصفهان در چنین شبی که آن را «شب خیرات اموات» می‌نامیدند، با نثار کاسه‌های پر از آب و گل سرخ، قبور اموات خود را مطهر و معطر می‌کردند. به این ترتیب، آنان نیز برای ابراز احترام و محبت خود به درگذشتگان خانواده، از رفتاری نمادین بهره می‌جستند. (سلطانیان، اصفهان، ۱۳۴۷)

مردم روستای جیتو در پاکدشت ورامین، آخرین شب جمعه سال را «شب عرفه» می‌نامیدند و ترجیح می‌دادند با تقدیم خوراک که آن را خیرات می‌نامیدند، به اموات خود ادای احترام کنند و شادی ارواح ایشان را از درگاه حضرت حق بخواهند. (حسینی پازوکی، ورامین، ۱۳۵۰)

جمع‌بندی

بررسی مصادیق متعدد و متنوع جلوه‌های آیینی احترام در فرهنگ مردم ایران مؤید این معناست که آیین‌های بر جای مانده (نوروز، چهارشنبه‌سوری، یلدا و علفه) بر پایه احترام به مقوله خانواده و بویژه بزرگان و ریش‌سفیدان آن بنا شده‌اند. بی‌تردید، یکی از ثمرات برگزاری این گونه آیین‌ها که مبتنی بر احترام همراه با محبت و صمیمیت‌اند، ایجاد آرامش و احساس امنیت در بین اعضای خانواده و فامیل است.

برنامه‌سازان حوزه رسانه می‌توانند با بهره‌گیری از ابزار هنر در فیلم‌های داستانی و حتی برنامه‌های خبری، متناسب با فصل و موسم برگزاری آیین‌های ملی، این آموزه اخلاقی را به مخاطب منتقل کنند. بدیهی است که همداستانی و همراهی احترام و محبت، تحکیم روابط عاطفی را نیز به همراه خواهد داشت.



منابع

الف) کتاب

۱. انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱) گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران: اسپرک.
۲. بختیاری، شهلا (۱۳۸۴) چهارشنبه‌سوری، باورها و آداب و رسوم آن در ایران، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۳. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۸) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: آگه.
۴. کرزبر یاراحمدی، غلامحسین به کوشش علی‌آنی‌زاده (۱۳۸۸) فرهنگ مردم بروجرد، تهران: اداره کل پژوهش‌های رادیو.
۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳) میزان‌الحکمه، چ ۴، قم: دارالحدیث.
۶. مؤیدمحسنی، مه‌ری (۱۳۸۶) فرهنگ عامیانه سیرجان، چ ۲، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

ب) گزارش پژوهشی

۱. دوستی، شهرزاد (۱۳۸۷) «جلوه‌های چهارشنبه‌سوری در فرهنگ مردم»، گزارش پژوهشی، تهران: واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما.

فرهنگیاران

- آذرگون، گچساران، کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۵۵
- آقابابایی، بی‌نام، شهرکرد، چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۵۱
- احمدی، سیف‌الله، دستجرد، گلپایگان، اصفهان، ۱۳۸۰
- اسدی گندمانی، جمشید، بروجن، چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۵
- اسماعیلیان، بی‌نام، قم، بی‌تا
- بهرامی هیدجی، یوسف، هیدج، ابهر، زنجان، ۱۳۵۴

- پوراسماعیلی، صادق، آهندان، لاهیجان، گیلان، ۱۳۵۳
ثابت اقلیدی، صابر و دیگران، اقلید، فارس، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳
حسنى پازوكى، فاطمه، جيتو، ورامين، تهران، ۱۳۵۰
حسنى لقمجان، بختيار، به روايت از يداله ابراهيم نژاد، لقمجان، لاهیجان، گیلان، ۱۳۵۶
حیدریان، سرشک، نایین، اصفهان، ۱۳۵۱
خالصیان، بی‌نام، نیشابور، خراسان رضوی، ۱۳۵۳
رزازان، بی‌نام، شاهرود، سمنان، ۱۳۴۹
رستمی، حسین، ملایر، همدان، ۱۳۵۰ و بی‌تا
زرنوش، بی‌نام، محلات، مرکزی، ۱۳۵۰
سلطانیان، خداکرم، اسفرجان، شهرضا، اصفهان، ۱۳۴۷
سنگ سفیدی، علی‌اصغر، اسفراین، خراسان شمالی، ۱۳۴۶
سیدی‌نو، بی‌نام، نوغاب، بیرجند، خراسان جنوبی، ۱۳۵۰
شمسی، بی‌نام، کهریزسنگ، نجف‌آباد، اصفهان، ۱۳۵۰
شیرازی، بی‌نام، ملایر، همدان، ۱۳۴۸
صادق‌پور، شهین، ممسنی، فارس، ۱۳۵۳
عظیمی، بی‌نام، میرآباد، فریدن، اصفهان، ۱۳۵۵
علیپور، بی‌نام، اندیمشک، خوزستان، ۱۳۵۰
قهرمان، اختراالدوله، مشهد، خراسان رضوی، ۱۳۵۰
کرمی، الله داد، چشمه شیرین، پلدختر، لرستان، بی‌تا
کیانی، فرهنگ، ایذه، خوزستان، ۱۳۵۵
مرادی، بی‌نام، بروجن، چهار محال و بختیاری، ۱۳۴۸
مرادی، عبدالقاسم، شیرخان، طبس، خراسان رضوی، ۱۳۵۰
مرواری، بی‌نام، دامغان، سمنان، ۱۳۵۲
میرشاهی، بی‌نام، دیربار علیا، نیشابور، خراسان رضوی، ۱۳۵۴



ناصری، بی‌نام، قزوین، ۱۳۴۸

نصیری، عیدی، خرم‌آباد، لرستان، ۱۳۴۸

نیک‌دوست، بی‌نام، نورالدین محله، تنکابن، مازندران، ۱۳۵۰

هاشمی، سیدمحمدتقی، میانده، شییکوه، فسا، فارس، ۱۳۸۸

هاشمی‌زاده، علی‌محمد، زاهد شهر، فسا، فارس، ۱۳۸۱

همافر، بی‌نام، همدان، ۱۳۵۲

یوسفی‌رامندی، هاجر، دانشفهان، قزوین، ۱۳۸۶





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی